



يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ ، حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالَ

در آغاز سخن، به نام خداوند آفریننده‌ی هستی شروع می‌کنیم.

عید نوروز از اعیاد مهم فارسی و ایرانی است. ایرانی و فارسی هم که می‌گوییم، نه محدود به این خط سیاسی‌ای است که دور عده‌ای از بشر کشیده شده و آنها را نسبت به دیگران و دیگران را نسبت به آنها بیگانه می‌گویند. این عید، عیدی است که در ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و تمام این مناطق محترم می‌دانند. به‌خصوص که اسلام نیز از اول با این عید موافق بوده و این جشن و شادی را هم، برای بشر و برای مؤمنین مقرر کرده است و هیچ به عزا و گرفتاری امر نفرموده است چون همه چیز را به دست خدا می‌داند و نه غیر او، آنچه می‌شود امر الهی است.

این عید را به‌خصوص به برادران ایمانی ما که عده‌ای در اینجا حضور دارند و یک عده‌ای که ما آنها را گل‌های خانوادگی می‌گوییم در زندان و اسارت هستند ولی جایگاه واقعی آن زندانیان قلب ماست، بدنشان را در آنجا نگه داشته‌اند ولی در دل ما جای دارند، تبریک می‌گوییم. خوشبختانه شنیدم که تا حدی آسایش و آرامش برایشان فراهم شده ولی به‌هیچ‌وجه این آرامش‌ها که توأم با تحقیر مکتب و تحریم عرفان باشد، جبران نمی‌کند. بنابراین مکتب اسلام از اهمیت و ارزش انسان‌ها صحبت کرده است و می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ**، بنی آدم را گرامی داشته و برای بنی آدم در همه‌ی فصول جشن و شادی مقرر کرده است. چون زمستان و تابستان هر دو مخلوق الهی است و برای ما هر دو یکنواخت است.

مطالبی که ذیلاً یادآوری می‌شود گرچه بارها صحبت شده و در همه‌ی کتب نوشته شده است، مع‌ذلک به‌عنوان یادآوری عرضه می‌داریم:

۱- پایداری در نگهداشت نوروز و تمام یادگارهای گذشته نه تنها با اسلام مخالف نیست بلکه از خصوصیات اسلام است که در علم حقوق اسلامی هم در مورد آن بحث می‌شود، این است که یکی از نکات مورد قبول اسلام، عرفان است و فقط عرف و سنت‌هایی که با اصول دین اسلام مغایر باشد، باید حذف شود. اما غیر از آن را نگه می‌داریم و قشون اسلام هم هر جا را فتح می‌کرد، این قاعده را رعایت می‌نمود. در مورد عید نوروز هم گرچه مسلمین قاعده‌ی احترام و رعایت عرف‌های محلی را می‌دانستند در زمان حضرت صادق (علیه‌السلام) نیز حضرت صریحاً فرمودند که این عید را نگه‌دارید و متبرک است و ادعیه‌ای هم برای آن فرمودند یعنی توجه خاصی داشته‌اند که همین دعایی است که هنگام تحویل سال می‌خوانیم.

۲- دستورالعمل و برنامه‌ی کاری که پیغمبر عظیم‌الشان ما را از صورت ظاهر یک فرد عادی به بالاترین موهبت و مقام رسانید در واقع، قرآن کریم است که حاوی دستوراتی است که خداوند به بندگان خود داده است.

بنابراین قرآن را با دقت بخوانید. قرآن برای سر قبر و یا مرده‌ها نیست. قرآن برای زنده‌ها و آینده‌ی زندگی بشر است. منتها قرآن که می‌خوانید با دقت و توجه در معنای آن بخوانید تا از هر کلمه و هر جمله‌ی آن نتیجه‌ای عاید فکر شما بشود و برنامه‌ی زندگانی قرار دهید.

۳- یکی از آثار مستقیم، نه غیر مستقیم از حضور در مجالس فقر و درویشی که مورد نظر است، آشنایی با اصول اسلامی و آشنایی با مشیت الهی است. حضور مرتب و مستمر در مجالس فقری شب‌های جمعه و دوشنبه و رعایت نظم و سکوت و حال توجه و مراقبه در مدت زمان مجلس دارای نتایج و فواید زیادی برای فقرا بوده و مرتباً یادآور تعهدات اخلاقی فقیر است و همچنین نشان‌دهنده‌ی همدلی و همبستگی و انسجام و وحدت فقراست.

۴- شیرازه‌ی دین اسلام، ولایت است. ولایت در درجه‌ی اول به پیغمبر و مؤمنین و ائمه، قوام دارد. مبنای ولایت، قرآن است که می‌فرماید **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا** یا آیه‌ی **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ**^۲ و بعد از آن هم به ائمه می‌رسد. هسته‌ی اساسی دین اسلام، ولایت است، که به معنی قبول سلطه‌ی الهی بر خویش و احساس این امر است. بنابراین ولایت در نزد هر شخصی باشد، مورد احترام مؤمنین است. مؤمنین می‌دانند که این افراد همیشه در حیاطند و **عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ**^۳ در مورد آنان هم گفته شده است. بنابراین زیارت قبور بزرگان مذهبی بسیار پسندیده است، چون آنان زنده هستند و ولایتی را که مرگ ندارد و ولایتی دائمی است در زمان حیات خود متجلی می‌ساختند، بنابراین احترامشان بر ما واجب است. در این زمینه البته مزار سلطانی بیدخت که چهار نفر از بزرگان عرفان در آنجا مدفون هستند، مورد احترام فقرا هست و برای اینکه همگان از این زیارت بهره‌مند شوند، رعایت نظم و ترتیبی را که در اعلامیه‌ها گفته شده است ان‌شاءالله اجرا خواهید نمود و فقرای بیدختی عزیز که خود خادمان افتخاری این آرامگاه نورانی هستند باید الگوی دیگران در حضور در مجالس فقری و نماز جماعت باشند.

۵- دشمنان فقر و تصوف، دشمنان عقیدتی هستند و **إِلَّا مِلَّةَ إِيْرَانِ** صلح طلب و صلح‌جو می‌باشند و این دشمنان ترفندهای مختلفی را به کار می‌برند. یکی از این ترفندها، ایجاد اختلاف در عقاید است تا خود مؤمنین به دو گروه تقسیم شده و با هم ستیزه کنند. دشمنی دیگر، از طریق دیگری است که اعتقاد افراد به صلاح و نیکی را متزلزل کنند و در این مورد قرآن فرموده است **الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ**^۴، آنهایی که بین مؤمنین اعمال ناشایست و یا اخبار ناشایست و دروغ رواج می‌دهند که گناه رواج پیدا کند، آنها از دشمنان دین و مذهب هستند. ترفند دیگر که همان نوعی رواج فاحشه و فساد است، ابتلاء به مواد مخدر و محرّمات می‌باشد و از افتخارات سلسله‌ی ما این است که در صدوپنجاه سال پیش استعمال مواد مخدر را در فقرا تحریم فرمودند؛ یعنی در واقع بر مسلمین تحریم کردند ولی دشمنان عقیدتی ما به این نکته هم توجه ندارند.

۶- خداوند در قرآن **أُمَّتِ** اسلامی یعنی مسلمان‌ها را به‌عنوان **أُمَّتِ** وسط و معتدل شمرده است و بنابراین در تمام رفتار و گفتار و نوشته‌جات هیچ‌وجه اغراق نکنید و باید از اغراق‌هایی که خیلی متداول است، دوری کنیم؛ ان‌شاءالله.

۷- قرآن به ما خبر می‌دهد که وحی الهی بر موسی نازل شد و به آن حضرت فرمود، (یعنی خطاب به پیغمبر ما فرمود که) **وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ**، یعنی به موسی فرمود که ایام‌الله را به یاد آنها بیاور و سفارش شده به آنان یادآوری کن که آن را نگهداری کنند، تمام ایامی که یک سرور و پیروزی معنوی برای آنها حاصل شده، وقتی که از اسارت فرعون خلاص شدند و وقتی که در مقابل گوساله‌پرستان گول نخوردند و به وحدت گراییدند. تمام این روزها از قبیل تمام ایامی است که ارزشی و نقشی دارد. بنابراین در اسلام هم این ایام‌الله هست. البته در بعضی موارد ایام‌الله روزهای مشخصی مانند تولد پیامبر و ائمه، عیدغدیر، عید قربان و عید فطر می‌باشد. ولی ایام‌الله دیگری هم هست که در هر زمان به مناسبت‌های اجتماعی این صفت را به خود می‌گیرد. روز درویش یعنی سوّم اسفند که فقرا وحدت و هماهنگی خود را نشان دادند و دلبستگی آنها به یکدیگر و اینکه دل‌هایشان به هم راه دارد، برای همه‌ی فقرا جشنی بود که به این مناسبت باید این روز را ما هم توجّه کنیم، همانطوری که تمام ایرانی‌ها و حتی در خارج، به این نکته واقف شده‌اند.

۸- در عرفان، بانوان جایگاه والایی دارند و مسئولیت خطیری در تربیت نسل جوان داشته و در ساختن آینده‌ی فرزندان‌شان نقش مهمی به‌عهده دارند و نباید فساد جامعه را بهانه‌ای برای بی‌بندوباری و دوری از معنویت قرار دهند که یک نفر مثل زن فرعون ایمان و مکتب خود را با فداکاری خود حفظ نمود و به رنگ جامعه‌ی فرعون‌ی درنیامد. توجّه به این نکته‌ی مهم قرآنی برای خواهران ایمانی لازم است تا در حفظ عفت و حجاب و مسئولیتی که در ملاقات‌ها و دیدوبازدیدهای خانوادگی دارند به وظایف شرعی و فقری خود که متعهد گردیده‌اند، پایبند باشند و همچنین در مجالس فقری حتی‌الامکان از بروز حالات درونی خود اجتناب نمایند.

۹- غالباً جدایی‌ها و کدورت‌های بین مؤمنین منشأ مادی دارد و اختلاف در مسائل دنیوی و مالی، زیان و آفتِ مهر و محبت می‌باشد. در آغاز سال جدید همانطور که به نظافت خانه می‌پردازیم، خانه‌ی دل خود را از هر گونه تیرگی و کدورت پاک نماییم و با یکدیگر با صلح و صفا، دیدار و آشتی نماییم و در شراکت و تجارت و قرض دادن و سایر تعهدات مادی براساس آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره رفتار نماییم و دقت و محکم‌کاری نموده تا در نتیجه، روابط دنیوی و مادی بر پیوندهای معنوی غلبه ننماید و دوستی و برادری ایمانی به قهر و جدایی تبدیل نگردد. (هر تعهد را بنویسند).

۱۰- مکتب تشیع (شیعه‌ی حقیقی) معتقد است که سیاست به معنی واقعی آن جزء دین و لازمه‌ی مسلمانی است. همانطوری که در زیارت جامعه‌ی کبیره خطاب به آن بزرگواران می‌خوانیم. **وَأَنْتُمْ سَاسَةُ الْعِبَادِ** (شما سیاست‌مدارترین بندگان هستید) زیرا سعی و همت ائمه (علیهم‌السلام) در هدایت و ارشاد مردم به سوی خدا و نگهداری دین و حفظ مسلمین بود و حتی بعضی از اصحاب ضعیف‌الایمان چون سیاست‌های معاویه را می‌دیدند دچار شبهه شده و ایراد می‌گرفتند، سؤال خود را به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) عرض کردند، آن حضرت فرمود: آنچه در معاویه است و بدان عمل می‌کند، شیطنت است و کوردلان دنیاطلب فریفته‌ی آن شده و آن را سیاست می‌دانند، اگر رعایت تقوا لازم نبود، به این معنی سیاست‌مدارترین مردم بودم. پس مسیر پرهیزکاری و دینداری با

سیاست به معنی فریبکاری فرق دارد، عالم فقر به پیروی از مولای خود از سیاست حقه‌بازی و مردم‌فریبی دوری جسته و دخالت در این نوع سیاست را مانع درویشی می‌داند اما سیاست حقیقی را دارند و دین را آلت و وسیله‌ی رسیدن به مطامع دنیوی قرار نمی‌دهند. بدیهی است به‌دست آوردن آگاهی‌های سیاسی و اطلاع از اوضاع سیاسی جامعه‌ی خود و جامعه‌ی جهانی و فعالیت‌های سیاسی، مشروط به آنکه خلاف شرع مطهر نبوده و در جهت خدمت به هموطنان و هموطنان باشد، پسندیده است.

۱۱- دعا که خواندن خداست، به دل است که زبان هم اگر همراهی نموده و با حال توجه بگوید مؤثر می‌باشد، نور امید را در دل روشن نگاه‌داشته و یأس که در حکم کفر است و مؤمن را از تلاش و مجاهده باز می‌دارد، از بین می‌برد. در طلوعه‌ی سال جدید با همدلی یکدیگر و از صمیم قلب برای همه، نیکی‌ها و پاکی‌ها را از درگاه خداوند خواسته و با توبه و انابه به درگاه الهی از همه‌ی گناهان استغفار نماییم تا با زلال رحمتش پلیدی‌ها و آلودگی‌های روح همه‌ی ما را شسته و قدرت پیمودن راه سیر و سلوک به طرف خود را به ما عنایت فرماید زیرا:

بی‌عنایات حق و خاصان حق گر ملک باشد، سیاه هستش ورق

و بدانیم که خداوند هر خیری را که اراده کند به دست مؤمنین اجرا می‌فرماید. خداوند هم این عنایت را به مؤمنین داشته و می‌فرماید: **هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ**^۱، پس با زبان دل و سر این دعا را می‌خوانیم: **رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ**^۲.

هم دعا از تو، اجابت هم ز تو ایمنی از تو، مهابت هم ز تو

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن مصلحتی تو، ای تو سلطان سخن

کیمیای داری که تبدیلت کنی گرچه جوی خون بود، نیلش کنی

۱۲- ظهور و خروج حضرت قائم آل محمد (عجل الله فرجه الشریف) غایت آمال عارفان بالله و مقصد نهایی سالکان الی الله است. تجدید عهد با ولی زمان نعمتی است که در دسترس فقرا بوده و باید توفیق بهره‌مند شدن از این نعمت را از خداوند بخواهیم تا طعم ثمره‌ی این بیعت را خداوند به ما چشاند و قبول ولایت مولا در قلب مؤمن جلوه کند، لذا با اجرای احکام شریعت و آداب طریقت و بیداری اسحار و قرائت قرآن و دوام طهارت و شفقت به خلق خدا و تواضع نسبت به مؤمنین و از دل بیرون نمودن هر نوع تیرگی و کدورت و خودخواهی و انانیت که بزرگترین حجاب و مانع در تکامل معنوی است، زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم آورند تا چنانچه طبق مصلحت الهی در عالم کبیر ظهور فرمود، در دل مؤمن ظهور فرماید و آن را عرش الهی و محل تابش انوار نامتناهی ساخته و وجود مؤمن را پر از صلح و صفا نماید که معنی انتظار حقیقی همین است.

منتظر چشمی به هم یک چشم باز کز کدامین سو رسد صید نیاز

منتظران را به لب آمد نفس ای ز تو فریاد، به فریاد رس

التماس دعا؛ حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب‌علیشاه)

سه‌شنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۳ = اول فروردین ۱۳۹۱